

واکاوی ادله و باز خوانی اقوال فقه پژوهان پیرامون قتل در فراش

فاطمه مهدوی^۱

^۱ دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر

نویسنده مسئول:

فاطمه مهدوی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۲۰ / تابستان ۱۳۹۹ / ص ۴۹-۵۸

چکیده:

یکی از موضوعات کیفری که از دیر باز مطمح نظر فقه پژوهان بوده موضوع "قتل در فراش" است. که مقصود از آن، جواز قتل زن و مرد بیگانه به وسیله شوهر در حین عمل زنا است. در اینکه مبانی و ادله قتل در فراش چیست بین فقها اختلاف وجود دارد. برخی بر این باورند که دفاع از عرض و ناموس به شمار می آید و برخی دیگر معتقدند که تحت عنوان دفاع مشروع می باشد. هر یک از این اندیشمندان به دلایلی متمسک گشته و طوایفی از روایات را مورد بررسی و استناد قرار داده که نگارنده ضمن احصای اقوال و طرح ادله به نقد هر یک از این دیدگاهها پرداخته است. و در نهایت پس از واکاوی ادله، اعتقاد نویسنده آن است که ادله مطروحه به ویژه روایات از حیث سند ضعیف بوده و التزام به مفاد این ادله باب سوء استفاده را برای قتل باز نموده که با لزوم حفظ دماء نفوس مغایرت دارد.

کلمات کلیدی: قتل در فراش، دفاع مشروع، قصاص، مهدورالدم، قانون.

مقدمه

ریختن خون مسلمان به اعتقاد همه فرق اسلامی و قاطبه مسلمانان بر اساس کتاب و سنت و عقل از جمله گناهان کبیره به شمار می آید که مجازات آن قصاص یا پرداخت خونبها توسط قاتل می باشد.

از سوی دیگر در پاره ای از مواقع، بروز برخی از رفتارهای شنیع غیر اخلاقی موجب تهییج احساسات و تحریک روحیه خشونت می شود که افراد را از حالت طبیعی خارج نموده و تصمیم به انجام کاری گرفته می شود که موجبات جنایت از جمله کشتن را به همراه دارد.

یکی از موضوعات چالشی در این باب "قتل در فراش" است. بر اساس فتوای بسیاری از فقها و نیز ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کرده و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و چنین قتلی به قتل در فراش معروف است. حال چندین سوال مطرح است که: ماهیت قتل در فراش چیست؟ و دلایلی که مجوز قتل در فراش را معاضدت می نماید کدامند؟ و آیا این دلایل وافی به مقصودند؟ و چنانچه این ادله قاصر باشند دلیل عدم اعتبار آنها از سوی نگارنده چیست؟

۱- مفهوم فراش

فراش (به کسر فاء بر وزن فعال، به معنی مفعول است مثل کتاب به معنی مکتوب) یعنی آنچه گسترده شده و بر آن می خوانند. و نیز هر یک از زوجین فراش یکدیگر خوانده می شوند همان طوری که لباس یکدیگر نامیده شده اند. چنان که در حدیث نبوی (ص) آمده است: «الولد الفراش و للعاهر الحجر» که مراد از فراش زوج است. یعنی فرزند متعلق به صاحب فراش یعنی شوهر است و بهره زناکار سنگ است. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۷۳ و طریحی، ۱۳۷۵، ص ۳۷۵). و در کشاف اصطلاحات الفنون و تعریفات جرجانی آمده است: فراش متعین بودن زن است برای ولادت و ثبوت نسبت فرزندان که از او متولد شوند. (تهانوی، ۱۱۵۸ق، ج ۲، ص ۱۱۲۴ و جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۵)

قتل در فراش عبارت است از این که شوهر، همسر خود و مردی اجنبی را در حال ارتکاب زنا با یکدیگر مشاهده نماید و سپس آن دو را به قتل رساند.

مرد اجنبی یعنی بیگانه بودن از لحاظ رابطه زناشویی و این قید محارم را استثناء نمی کند و لذا اگر مردی، همسر خویش را در حال زنا با یکی از محارمش مانند پدر، برادر، دایی و ... مشاهده نماید باز هم حق ارتکاب قتل یا ضرب و جرح را خواهد داشت. (حجتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۰۹۷).

۲- ادله اثبات جواز قتل از دیدگاه فقها

۱-۲- فقههای امامیه

با بررسی کتابهای فقهی امامیه روشن می شود که موضوع جواز قتل زن و مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا توسط شوهر برای اولین بار در کتاب مبسوط شیخ طوسی آمده است او اولین فقیه شیعی است که در این مساله اظهار نظر و فتوا داده است. وی تحت عنوان "الدفاع من النفس" این مساله را مورد گفت و گو قرار داده و چنین فتوا داده است: "هرگاه شخصی مردی را در حال زنا با زن خود مشاهده کند، در حالی که هر دو محض بودند، می تواند آن دو را به قتل برساند. همچنان است اگر با کنیز یا غلام خود مشاهده کند. و اگر شخص اجنبی را در حال بازی و ملامست غیر از جماع دید می تواند او را منع نماید، چنانچه منع نشد خونس هدر است، یعنی قتلش جایز است." در کتاب شرایع الاسلام و در باب ملحقات زنا، محقق حلی می فرماید: "هرگاه شخصی مردی را در حال زنا با همسر خود ببیند می تواند هر دو را به قتل برساند و گناهی بر او نیست، ولی از لحاظ حکم ظاهری باید قصاص شود، مگر این که بر ادعای خود بینه داشته باشد، یا ولی دم حرف او را تصدیق کند." (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴۵) در عبارت علامه حلی نیز همین عبارات آمده است: "هرگاه شوهری همسر خود را با مردی در حال زنا ببیند می تواند آن دو را به قتل برساند ولی ادعای وی پذیرفته نیست، مگر آنکه بینه اقامه کند یا اولیای دم مقتول، وی را تصدیق نمایند." (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۳۴) ابن فهد حلی می نویسد: "هرگاه شخصی کسی را بکشد و ادعا کند که مقتول را در بستر زن خود یافته است، قصاص می شود مگر آنکه برای ادعای خود بینه اقامه کند." (ابن فهد حلی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۲۱۱) شهید ثانی نیز این حکم را مشهور بین اصحاب دانسته و معتقد است که مخالفتی در مورد این حکم وجود ندارد. (شهید ثانی، بی تا، ج ۹، ص ۱۲۰) صاحب جواهر در کتاب حدود به بیان این موضوع پرداخته است. ایشان پس از ذکر عقاید مختلف فقهای می گوید که ممکن است تجویز قتل در بیان حکم واقعی امر باشد، اگر چه گناهی بین او خدای او نباشد، ولی از نظر ظاهر، قصاص بر قاتل (شوهر) ثابت است، مگر آنکه وی بینه ای بر ادعای خود اقامه کند یا ولی دم او را تصدیق کند و در این باره به پاسخ امیر المومنین (ع) به ابو

موسی اشعری اشاره می کند که آن حضرت فقط اقامه چهار شاهد توسط شوهر را رافع قصاص دانسته اند. (صاحب جواهر، بی تا، ج ۴۲، ص ۳۶۸) محقق اردبیلی در این رابطه می فرماید: "اصل این حکم که شوهر در صورت مشاهده زنای همسرش با مرد دیگر و ارتکاب قتل، مجازات اخروی ندارد، گویا یک حکم اجماعی است و علاوه بر این موید به حکم عقل نیز می باشد. دلیل دیگر روایت داود بن فرقد است که از امام صادق (ع) نقل شده است. اصل این حکم مشهور میان فقهاست بلکه ممکن است به حد اجماع رسیده باشد. اما این حکم تنها مربوط به عالم واقع و نفس الامر است (یعنی از نظر اخلاقی و اخروی) ولی از نظر ظاهر شرع (یعنی از نظر حقوقی) قاتل مورد بازخواست قرار می گیرد. در نتیجه باید قصاص شود مگر آنکه برای اثبات ادعای خود شاهد بیاورد یا ولی دم مقتول ادعای او را تصدیق کند. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳، ص ۹۵) امام خمینی (ره) در این باره به تبعیت از مشهور فقها می فرماید: "هرگاه شوهری همسر خود را با مردی در حال زنا بیابد و علم به پیروی زن از مرد اجنبی داشته باشد می تواند آن دو را به قتل برساند و از بابت این قتل گناهی مرتکب نشده است و قصاص هم نمی شود." (امام خمینی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۴۹۱، مسأله ۲۸) طبق نظر و فتوای صاحب جواهر و فقهای بعد از وی، از جمله فتوای امام خمینی، شرط محصن بودن، حذف شده و قید عالم بودن شوهر به موافقت و تمکین زن برای جواز قتل وی مقرر گشته است. از دیدگاه امام خمینی (ره) و مشهور فقهای متأخر شیعه، تفاوتی در دایمی بودن همسر و غیر دایمی بودن او نیست. (امام خمینی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، مسأله ۲۸) آیت الله خونی در این باره می نویسد: "هرگاه زوج ادعا کند که مردی را با همسر خود در حال زنا دیده و به همین دلیل آن دو را به قتل رسانده است و برای این ادعای خود شاهد معتبر نداشته باشد، در این صورت اتفاق فقها بر این است که قصاص می شود." (خونی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۸۴) مرحوم طباطبایی در ریاض المسائل می فرماید: "هرگاه زوج، مردی را به قتل را با همسر خود در حال زنا یافته است، در صورتی که صریحاً به قتل وی اعتراف کند، قصاص می شود، مگر آنکه برای صحت ادعای خود بینه اقامه نماید." (طباطبایی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۵۱۷)

۲-۲- فقههای اهل سنت

اگر چه فقههای اهل سنت در این مسأله اختلاف نظر دارند، ولی اکثریت آنان معتقدند که شوهر می تواند زن و مرد زنا کار را به قتل برساند به شرط آنکه اولاً محصن بودن آنان را ثابت نماید و ثانیاً با آوردن دو شاهد عادل معلوم سازد که قتل را به سبب زنا انجام داده است. دیدگاه فقهای حنبلی و مالکی بر اساس کتاب "الفقه علی المذاهب الاربعه" به شرح زیر است: اگر شوهر بتواند دو شاهد بیاورد که او را به سبب زنای محصنه کشته است، چیزی بر وی نیست. (الجزیری، بی تا، ج ۵، ص ۶۵) از کتب اهل سنت نتیجه می شود که ابداع و اختراع کننده ی این حکم فقههای اهل سنت بوده اند. چرا که این فتوا در کتاب های اهل سنت پیش از زمان شیخ طوسی (۴۶۰ ق، فقیه شیعی قرن پنجم) وجود داشته است و از آنجا که شیخ طوسی یک عالم مخلص شیعی بود و فتوای اهل سنت را بدون دقت و هضم وارد کتاب های خود نموده به نام خود یا دیدگاه شیعه، قلمداد می کرد، بعید نیست که این حکم را نیز از فتوای اهل سنت وارد کتب شیعه نموده باشد و عالمان پس از او، این فتوا را از کتابهای شیخ طوسی گرفته باشند.

۳- ادله اثبات جواز قتل

۳-۱- دلیل روایی

مشهور فقها برای اثبات مشروعیت بر قتل از سوی شوهر، به گروهی از روایات استناد کرده اند که برخی از آن عبارتند از:

۳-۱-۱- روایت منقول از امام صادق (ع) که فرمودند: سعد بن عباد از پیامبر (ص) پرسید: ای رسول خدا اگر شخصی را با همسرم دیدم آیا می توانم او را بکشم؟ پیامبر (ص) در پاسخ فرمودند: ای سعد در این صورت برای اقامه چهار شاهد چه خواهی کرد؟ (کنایه از عواقب این اقدام می باشد). (البرقی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۴)

۳-۱-۲- روایت داود بن فرقد از ایشان روایت شده که یاران پیامبر (ص) از سعد بن عباد پرسیدند: ای سعد اگر بر روی همسر خود فردی را مشاهده کنی با او چه خواهی کرد؟ سعد در پاسخ گفت: با شمشیر او را از پای در خواهم آورد. در این مقام پیامبر اکرم (ص) وارد شد و فرمود: ای سعد چه شده است؟ گفت: از من پرسیدند اگر بر روی همسر خود کسی را بیایی چه می کنی؟ گفتم با شمشیر او را از پای در خواهم آورد. پیامبر (ص) فرمودند: ای سعد برای اقامه چهار شاهد چه خواهی کرد؟ سعد پرسید: ای رسول خدا بعد از اینکه با چشمانم صحنه را دیدم و خدا هم بدان علم دارد، باز هم چهار شاهد لازم است؟ پیامبر (ص) فرمودند: آری زیرا خداوند برای هر چیزی حدی قرار داده است و برای کسی که از آن حد تجاوز کند، هم حدی قرار داده است. (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۹، ص ۱۳۴) آیت الله خویی در باب دلالت این حدیث می فرماید: ظاهر این روایت بر عدم جواز قتل زانی دلالت دارد، زیرا خداوند متعال برای زنا حد قرار داده است و کشتن زانی قبل از شهادت شهود اربعه جایز نیست. پس تعدی از این امر جایز نبوده و کسی که تعدی کند، بر او نیز حد واجب می شود. (خویی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲۹، ص ۸۵) معنای این سخن و استدلال این است که کسی نمی تواند هنگامی که فردی را در حال زنا ببیند، به قتل

برسانند، حتی اگر فردی را در حال زنا با همسرش ببینند، چون خداوند مجازاتی برای زنا قرار داده است و این مجازات پس از شهادت شهود در دادگاه و نزد حاکم شرع انجام می پذیرد. پس در واقع شهادت شهود، مجوز قتل زانی است و این سخن دلالت می کند بر اینکه منظور روایت به شهادت شاهدان در محکمه و اجرای حد بر زانی از ناحیه حاکم شرع است نه اینکه فرد دیگری غیر از حاکم حق داشته باشد تا زانی را به قتل برساند و سپس شهود را در دادگاه اقامه کند. نکته دیگر در این روایت این است که حتی اگر قاتل به جواز قتل پیش از شهادت شهود، باشیم، در حدیث سؤال شده است، اگر مردی را بر روی سینه ی همسرت ببینی چه می کنی و جواب سعد درباره قتل مرد زانی اجنبی قتل با شمشیر است و هیچ دلالتی بر جو از قتل زوجه ندارد.

۳-۱-۳ - روایت دیگر، روایتی است که در کتب روایی شیعه، هیچ اشاره ای به آن نشده است و تنها شهید اول در کتاب "الدروس الشرعیه" به آن اشاره نموده اند. در این روایت آمده است: کسی که مشاهده کرد که همسرش با مردی زنا می کند می تواند هر دوی آنها را به قتل برساند. (شهید اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۴۸) آیت الله خویی در مورد این حدیث می فرماید: این حدیث به لحاظ سندی مرسله بوده و در کلام فقهای قبل از شهید اول نیز یافت نمی شود تا بگوییم ضعف سند با عمل اکثر فقهای به آن جبران می شود. پس این حدیث به علت مرسله بودن کنار گذاشته می شود. (خوئی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲۹، ص ۹۰)

۲-۳- دلایل عقلی و نقد

دلایل و مستندات عقلی حکم جواز قتل در فراش و معاف بودن شوهر از مجازات قتل همسر خود و مرد اجنبی احوال متعددی توسط دانشمندان ارائه شده است که عبارتند از:

۳-۱-۲ - هیجان و تحریک روحی و عصبانیت شدید. هیجان و تحریک روحی و عصبانیت شدید و برانگیختگی شوهر و در نتیجه خارج شدن شوهر از حالت طبیعی با مشاهده آن حالت شنیع و زشت، کلیت و عمومیت ندارد. و در کلمات هیچ یک از فقها، حداقل به طور صریح، عصبانیت، مجوز قتل یا عذر معاف بودن وی از مجازات شناخته نشده است. (مهر پور، ۱۳۸۸، ص ۸، ۵۲) و نیز هیجان روحی و عصبانیت شدید که موجب خارج شدن شوهر از حالت طبیعی شود همه جا صادق نیست چرا که ممکن است مشاهده ی چنان حالتی بعد از شک و تردید یا اطلاعات متفرقه و شواهد و قرائن قبلی باشد که در این صورت ممکن است شوهر با تفکر و تعقل و مراقبت دست به قتل زده باشد. بدیهی است که در چنین حالاتی، اشخاص نوعاً گرفتار هیجان روحی شدید و جنون انی نمی شوند، بلکه با تصمیم و کمین زدن و گرفتار نمودن زناکاران اقدام به قتل می کنند. پس خروج از حالت طبیعی معنا ندارد و از طرفی، عصبانیت شدید اگر به حد جنون نرسد موجب جواز قتل یا براءت قاتل نمی شود. بنابراین نمی توان حکم شرعی را به علت و مستندی منسوب داشت که تحقق آن علت شاذ و نادر است و حالت عام و مطلق ندارد و به همین دلیل فقها به این علت و مستند توجه نکرده و آن را مبنای حکم قرار نداده اند.

۳-۲-۲ - دفاع از عرض و ناموس. در مورد دفاع از عرض و ناموس دیدگاه فقها مختلف است. برخی از جمله امام خمینی (ره) در کنار امر به معروف و نهی از منکر و در باب دفاع آورده است که کشتن زناکار مصداق امر به معروف و نهی از منکر به صورت عملی است. (امام خمینی (ره) ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۱ و ۴۹۲) شیخ طوسی در کنار «الدفاع عن النفس» (دفاع از نفس) این عمل را نوعی دفاع از عرض و ناموس قلمداد کرده است. ولی دلیل واضحی بر مقصود خود نیاورده است. واضح و روشن است که دفاع تنها در یک صورت قابل تحقق است که فرد اجنبی با زور و اکراه و اجبار به ناموس کسی تجاوز نموده باشد ولی در صورتی که زن رضایت داشته باشد با میل خود اقدام به فحشا نموده باشد، عنوان دفاع ندارد. و از طرفی عنوان دفاع نسبت به زن به هیچ وجه قابل انطباق نیست و عمل نامشروع زن چه با رضایت و چه بدون رضایت، تجاوز به ناموس محسوب نمی شود تا به منظور دفاع از آن به قتل برسد و نیز طبق نظر برخی از فقها که قتل در فراش به عنوان امر به معروف و نهی از منکر عملی یا اجرای حکم الهی است. باید گفت که این حکم در صلاحیت افراد و اشخاص نیست و تنها در مقامات صالحه ی قضائی می توانند چنین حکمی را صادر کنند و به اجرا بگذارند زیرا اگر اشخاص غیر مسئول دست به اجرای چنین حکمی بزنند موجب هرج و مرج و بی نظمی می شود و امنیت جامعه مختل می شود و فلسفه ی وجودی حکومت و امامت را زیر سؤال می برد و بدیهی است عملی که بر خلاف نظم باشد باطل است زیرا قاعده نظم حاکم بر تمامی قواعد اسلامی است.

۳-۲-۳ - دفاع مشروع. برخی اظهار می دارند که ماهیت جواز قتل در فراش از باب دفاع مشروع است چنانچه بسیاری از فقها برای این حکم به روایاتی استناد کرده اند از جمله این روایت: از امام معصوم (ع) پرسیدند: مردی برای سرقت یا عمل منافی عفت وارد منزل دیگری شده است و صاحب خانه هم وی را به قتل رساند. امام فرمودند: کسی که (به این صورت) وارد منزل دیگری شود خون او مباح است و چیزی بر صاحب خانه نیست (فاضل هندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۴۰۶). درباره دفاع مشروع و شرایط آن که در ماده ۱۵۶ م ا آمده است، برخی از فقها تصریح نموده اند، به هیچ وجه قتل در فراش، ماهیت دفاع مشروع را دارا نیست، زیرا دفاع مشروع طبق شرایط در ماده مذکور شامل قتل در فراش نمی شود:

۱- قتل زوجه به عنوان دفاع مشروع توجیهی ندارد. زیرا صدق تجاوز بر زن از نظر عرف مشکل است و اینکه شاید زن با اختیار این عمل را انجام داده است.

۲- اگر قتل در فراش به جهت دفاع مشروع است، دیگر جواز قتل اختصاص به شوهر ندارد، بلکه هر شخص دیگری می تواند در مقام دفاع مشروع از ناموس خویش عمل نماید. (ناموس عبارت است از: زنان خانواده و وابسته به فرد و رعایت حرمت آنان از نظر موازین اخلاقی، مذهبی و ... تعرض به ناموس به صورت تجاوز به زنان خانواده اعم از همسر، مادر، خواهر و دختر و لکه دار نمودن عفت و عصمت آنان است. در این حال، تعرض به برادر و اولاد پسر شخص نیز عرفاً تجاوز به ناموس تلقی می شود). (گلدوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶)

۳- اگر قتل در فراش به جهت دفاع مشروع باشد، دیگر به زنا اختصاص نخواهد داشت، بلکه هر گونه تجاوزی حتی اگر کمتر از حد زنا باشد، شامل دفاع مشروع خواهد شد. (خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۶)

۴- اگر قتل در فراش شامل دفاع مشروع شود، باید قتل زانی واجب باشد حال آنکه قتل زانی به نظر فقها جایز است.

۵- اگر قتل در فراش دفاع مشروع باشد، باید تناسب میان حمله و دفاع مراعات شود (الاسهل فالاسهل) یعنی برای دفع خطر متجاوز و مهاجم باید به آسان ترین روش ممکن اکتفا نمود لذا اگر خطر با وارد کردن جرح قابل دفع باشد، نمی توان اقدام به قتل نمود. در حالی که هیچ یک از فقها به لزوم "الاسهل فالاسهل" اشاره ای نکرده اند.

۳-۲-۴ - اجرا و اقامه حدود . بسیاری از فقیهان امامیه عمل شوهر را بعنوان اجرای حد و حکم الهی تلقی کرده، و عملی را در این کار مجاز دانسته اند از جمله محقق حلی در کتاب شرایع در مساله هفتم از مسائل دهگانه ملحق به باب زنا ذکر کرده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ص ۱۴۵) و شهید اول در کتاب الدروس، این موضع راه در کتاب الحسبه و در بحث امر به معروف و نهی از منکر و اینکه چه کسانی مجاز به اقامه و اجرای حد هستند، ذکر کرده است. ایشان بیان کردند، همان گونه که صاحب برده می تواند حد الهی را بر برده خود جاری کند، شوهر نیز می تواند همسر خود را به دلیل ارتکاب زنا با اجنبی به قتل برساند و این حد را اجرا کند. (شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۱۲۰ و شهید ثانی، بی تا، ج ۹، ص ۱۲۰) فقههای مذکور ضمن پذیرش این اصل که اقامه حدود الهی، وظایف حاکم شرع است به عنوان یک استثنا بر اصل در صدور توجیه حکم مذکور بر آمده اند و شوهر را در اجرای حد زنا مجاز دانسته اند. اما علی رغم این استدلالات چنین استثنایی موجه به نظر نمی رسد و اصولاً نمی توان قائل به اجرای حد توسط غیر حاکم، آن هم قبل از اثبات موضوع از طریق ادله شرعی شد. علاوه بر این فقها بر این مساله اتفاق نظر دارند که حق اقامه حدود تنها در صلاحیت امام معصوم (ع) و در عصر غیبت، فقط در صلاحیت فقههای جامع الشرایط است. از این رو انتقال چنین حقی به غیر آنها، خلاف اصل است. (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۲۱، ص ۳۹۴ و ۳۹۳ - طوسی، بی تا، ص ۳۰۱ - ۳۰۰، شیخ مفید، ۱۴۱۷، ص ۱۰ - خویی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۴)

۴- شرایط مجاز بودن ارتکاب قتل در فراش

طبق ماده ۶۳۰ ق.م.ا قتل مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا با زن شوهر دار و همچنین قتل زن در صورت تمکین به این عمل را توسط شوهر مجاز دانسته است و به شوهر اجازه داده که به قتل و ضرب و جرح آنان اقدام کند اما مجاز بودن ارتکاب قتل در این مورد مشروط به وجود شرایطی است و فقط در صورت اجتماع این شرایط، شوهر معاف از مجازات خواهد بود. شرایط مذکور عبارتند از:

۴-۱ - وجود علقه زوجیت. بر طبق ماده مذکور، حکم ناظر به موردی است که شخص شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود باشد، بنابراین اگر مردی شاهد زنا زنی دیگری ولو خواهر، دختر یا مادر خود با مرد اجنبی باشد، مجاز به ارتکاب قتل و حتی ضرب و جرح نیست و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، مجازات خواهد شد. احراز وجود رابطه زوجیت با توجه به مقررات مندرج در کتاب هفتم قانون مدنی، با توجه به اطلاق کلام، منظور از نکاح، نکاح دائم و منقطع است. گرچه برخی از حقوقدانان این حکم را فقط ناظر به عقد دائم می دانند. (حائری شامبغ، ۱۳۵۳، ص ۹۰). اما در اقوال فقها تفاوتی بین دائم یا موقت بودن نکاح وجود ندارد. (صاحب جواهر، بی تا ج ۲، ص ۳۶۸) حتی به نظر برخی از حقوقدانان، طلاق رجعی رابطه زوجیت را قطع نمی کند و لذا اگر شوهر در مدت عده طلاق رجعی وضعیت مذکور را مشاهده کند و مرتکب قتل شود از معافیت مذکور استفاده می کند. (نجیب حسینی، ۱۹۹۲، ص ۳۹-۳۹۴) با توجه به ماده ۱۱۴۹ ق.م. لفظ یا فعلی که دلالت بر رجوع دارد، باید مقرون به قصد رجوع باشد، حال آنکه در چنین موردی شوهر قصد رجوع ندارد، بلکه قصد وی ایراد ضرب و جرح یا قتل بوده است، به علاوه شوهر با طلاق زن علقه زوجیت خود را گسیخته است.

۴-۲ - مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر. بر طبق ماده ۶۳۰ ق.م.ا تاکید بر مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر، بر این است که دیدن فیلم و عکس از واقعه مورد بحث مجوز مشروعیت قتل نیست و رویت فیزیکی همسر ملاک است، نه دیگران. در این صورت، اثبات وقوع عمل زنا بر عهده شوهر (قاتل) است. فقها نیز بر این شرط که مرد باید همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند اتفاق نظر دارند. (خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴ و ۸۸). اما باید توجه داشت که از نظر فقها اباحه ارتکاب قتل توسط شوهر در زمان وقوع زنا و اطمینان به ارتکاب زنا توسط زن و مرد اجنبی مربوط به واقع و نفس الامر است. اما اگر انجام یافتن عمل زنا قطعی نباشد

و بر اساس شبهه مرد باشد، ارتکاب قتل جایز نیست. مثلاً اگر زن و مرد اجنبی دارای پوشش متعارف بوده، مشغول انجام اعمال دیگری غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل و امثالهم باشند به دلیل عدم تحقق شرط (در حال زنا بودن) قتل آنها مجاز نیست.

۳-۴ - ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا بر طبق ماده مذکور شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، حق کشتن دارد و اگر فی المجلس اقدام نکند، بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از هم چنین مجوزی برای او نیست. مفهوم آنست که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی، اقدام به قتل کند و چنانچه بعد از انجام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود، چنین قتلی جنبه انتقام دارد و از نظر قانون ممنوع است و مهدور الدم بودن زن و مرد اجنبی محتاج دلیل است و قاتل باید استحقاق قتل آن دو را بر اساس موازین شرعی و قانونی ثابت کند (زکی ابو عامر، بی تا، ص ۱۵).

۴-۴ - علم به تمکین برای مجاز بودن مرد در قتل همسر خود علاوه بر شرایط مذکور، او باید عالم به تمکین و رضایت زن به عمل زنا توسط مرد اجنبی باشد. در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مورد مفروض شرط می دانند، لکن در مورد زن به احتمال وجود اکراه از طرف مرد نسبت به زن قائلند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم تعیین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز بودن قتل او شده اند. احراز این شرط در عالم اثبات دشوار است و برای جلوگیری از معاف بودن قتلهایی که به صرف ظن و گمان واقع می شوند از مجازات بسیار مهم است. همچنین در صورت تعیین شوهر به مکره بودن زن خود قطعاً کشتن او مجاز نیست و شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه را دارد.

۵- شرایط معافیت از قصاص قتل در فراش

برخی از فقها برای اصل لزوم اقامه شهود از نظر حقوقی و نیز عدم مجازات اخروی قاتل به روایت، "سعد بن عباد" و روایت "داود بن فرقد" استناد نموده اند. یکی از فقها در این رابطه می فرماید: این روایت (روایت داود بن فرقد) حمل بر این معنا می شود که لزوم شهود برای رفع قصاص است که در ظاهر شرع مستحق آن بود اگرچه بین خود و خدای خود گناهی مرتکب نشده است، چنانکه از روایت سابق و فتوای فقها چنین بر می آید. (طباطبایی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۵۱۷) اما سخن در این است که روایت داود بن فرقد از برخی جهات مغایر با دیدگاه مشهور به نظر می رسد، چنانکه برخی نیز به این تنافی اشاره نموده اند: اینکه بتوان از این روایت حتی استفاده عموم نمود، چنانکه برخی از فقها چنین کرده اند، جای تأمل دارد، ولی اصل حکم مشهور، بلکه ممکن است به جهت آنکه هیچ فتوای خلافی دیده نشده، حکم اجماعی باشد. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳، ص ۹۴) اما با دقت در این صحیحه مواردی از عدم انطباق کامل آن با نظر مشهور مشاهده می شود که عبارتند از:

۵-۱- در این روایت به لزوم اقامه چهار شاهد تصریح شده است در حالی که مشهود برای اثبات ادعا دو شاهد را کافی دانند. . لکن المشهور الاكتفاء بالبینه المعهوده. (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۷، ص ۲۵۱) البته بسیاری از فقها در مورد اینکه دو شاهد یا چهار شاهد لازم است، به طور صریح اظهار نظر نکرده اند و به صورت کلی حکم مساله را بیان نموده اند، به گونه ای که ممکن است حمل بر قواعد کلی ادله اثبات در زنا شود که در خصوص شهادت، انصراف به چهار شاهد دارد. که یکی از فقها در این باره می نویسد: هر گاه شوهر، هر دو یا یکی از آن دو را بکشد، اگر بینه برای قتل خویش اقامه نکند یا ولی دم وی را تصدیق نکند، به سبب قتل باید قصاص شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۴، ص ۳۹۷) امام خمینی (ره) می فرماید: فلو قتل رجلاً و ادعی انه راه مع امراته و لم یکن له شهود علی طبق ما قرره الشارع یحکم علیه بالقصاص. (خمینی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۴۹۱). این مطلب ممکن است اشاره به همین نظریه باشد که برای قتل در فراش، شهادت چهار شاهد، مانند سایر موارد زنا لازم است اگر چه شاید بتوان ادعا نمود، ظاهر عبارت ایشان در صدد بیان تعداد دو شاهد یا چهار شاهد نبوده بلکه در مقام بیان حکم کلی بوده است. (علی طبق ما قدره الشارع). البته برخی بر این عقیده اند که این روایت دلالت بر چهار شاهد دارد. (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۷، ص ۲۵۱).

همچنین در روایت صحیح دیگری نیز بر لزوم ارائه چهار شاهد تصریح شده است. (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۰۶) برخی بر این عقیده اند: هرگاه برای شهادت در این مساله "مشاهده" در حال زنا لازم باشد، باید حکم به لزوم ارائه چهار شاهد شود و اگر مشاهده لازم نباشد و ادای شهادت فقط برای یافتن در یک فراش باشد، در این صورت دو شاهد کافی است. (الاحسائی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۶۰۱)

۵-۲ - در روایت داود بن فرقد تنها حکم مرد زانی مورد پرسش قرار گرفته است (ما کنت صانعا به؟) و در مورد حکم جواز قتل زن زانی مسکوت می باشد. (خوئی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۸۷) به اعتقاد برخی از فقها، تنها روایتی که در خصوص حکم جواز قتل زوجه صریحاً تعیین تکلیف نموده، روایت مرسله ای است که شهید اول در دروس نقل کرد و این روایت گرچه مرسله است ولی ضعف آن با عمل مشهور جبران می شود. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۴۹۳) اما آیت الله خوئی اظهار داشته اند: از آنجا که این روایت اساساً قبل

از شهید اول از هیچ فقیه دیگری نقل نشده است، احتمال اینکه مورد استناد مشهور قرار گرفته باشد، وجود ندارد گفته شود که عمل آنان به این روایت موجب جبران آن است. (خوئی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۸۷)

۳-۵- دلالت این روایت به گونه ای است که فقط برای اصل عدم مجازات اخروی قابلیت استناد دارد و این روایت نسبت به مجازات دنیوی از نظر حقوقی، با توجه به تاکید پیامبر (ص) نسبت به مساله لزوم چهار شاهد که غالباً در چنین مواردی امکان پذیر نیست، نه تنها بیشتر جنبه بازدارنده داشته و تشویق به قتل نمی کند، بلکه روایت از نظر جواز حقوقی قتل مسکوت است و در مواردی شوهر را مجاز به اجرای حد نمی داند. برخی از فقها نیز از این روایت عدم جواز اقامه حدود برای غیر حاکم شرع را استنباط نموده اند:

"بلکه از روایات متعددی از جمله روایت صحیحہ داود بن فرقه چنین برداشت می شود که اقامه حد برای هر کس جایز نیست." (خوئی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۵) علاوه بر این در روایت صحیحہ داوود بن فرقه در مقام تعلیل آمده است: خداوند برای هر چیزی حدی قرار داده و برای کسی که از آن حد تجاوز کند، هم حدی قرار داده است. (البرقی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۴)

۶- ابعاد حقوقی قتل در فراش

روش مرسوم در عالم حقوق این است که با وقوع جرم، متهم یا مظنون به محاکمه کشیده می شود. در باب قتل در حقوق موضوعه ایران، راههای اثبات قتل مشخص شده که عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه و علم قاضی که هر یک از آنها دارای شرایطی می باشد. در قوانین جزایی ایران چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، مساله موردنظر به صراحت بیان شد و به اجرا درآمده است. قانون مجازات عمومی ایران مصوب دی ماه ۱۳۰۴ شمسی که تا سال ۱۳۶۱ اجرا می شد، در ماده ۱۷۹ مقرر می داشت: "هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله ی وجود یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود، از مجازات معاف است. هرگاه به طریق مذکور، دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود، از یک تا شش ماه حبس جنحه ای محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده، مرتکب جرح یا ضرب شود، به حبس جنحه ای از ۱۱ روز تا ماه محکوم می شود." قانون مجازات عمومی سابق ایران، در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ تغییر پیدا کرد و به نام های قانون حدود، قصاص و تعزیرات اسلامی در آمد و برخی از مواد آن لغو شد. و در نتیجه مفاد ماده ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی، در قوانین جدید مذکور نگذشت و حتی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ نیز نیامد. اما قانون گذار ایرانی در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ مفاد ماده ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق را با وسعت بیشتری احیا نمود و شرایط فقهی آنرا نیز حذف نمود. این ماده ی قانونی طی شماره ی ۶۳۰ در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ به شرح زیر آمده است:

"هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زده داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است."

۷- نقد مبانی فقهی و حقوقی حکم قتل در فراش :

اولین فقیه شیعی که مساله ی جواز قتل در فراش را بیان نموده شیخ طوسی از فقههای قرن پنجم می باشد. وی در کتاب مبسوط اعلام نظر نموده که قاتل از مجازات معاف است، مشروط بر این که زانی محصنه باشد. پس از شیخ طوسی، نخستین فقیهیی که جواز قتل را به صورت مطلق و به طور قطع بیان کرده، محقق حلی، فقیه قرن هفتم است او در کتاب نکت النهایه بیان کرد: اگر کسی مردی را کشت و ادعا کرد او را با زن خود یا در خانه ی خود دیده است قصاص می شود مگر این که بر گفته ی خود بینه اقامه کند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ص ۷۵۵). و نیز اضافه می کند: لازم است علم داشته باشد که زنا کرده یا قصد زنا داشته و فرق نمی کند محصن باشد یا غیر محصن در صورتی که در این امر بینه اقامه کند، قصاص نمی شود. (همان، ص ۴۶۱) عبارت محقق حلی، مورد تقلید فقههای متأخر قرار گرفته است. با اینکه صحت این حکم تردید داشته اند و دلیل مسلم و معتبری نیز که دلالت صریح بر جواز قتل داشته باشد در اختیار نداشته اند مع ذلک تلاش کردند که حکم قتل در فراش را توجیه نمایند، ولی این حکم در موارد زیر مردود است:

۱- دلیلی از قرآن به آن وجود ندارد.

۲- دلایل عقلی و حقوقی، قابلیت استناد ندارد و نمی توانند حکم قتل در فراش را اثبات نمایند. زیرا خروج از حالت عادی و عصبانیت شدید شوهر در همه جا به حدی نیست که باعث جنون و دیوانگی او شود و دفاع مشروع نیز در برخی حالات صدق نمی کند بخصوص نسبت به زن که به هیچ وجه عنوان دفاع صادق نیست.

۳- امر به معروف عملی و یا اجرای حدود الهی نیز نمی تواند دلیل بر جواز قتل باشد زیرا اجرای حدود الهی در صلاحیت افراد نمی باشد.

۴- فتوای قتل در فراش با دستور کلی قرآن مغایرت دارد زیرا که قرآن تنها در دو مورد اجازه کشتن داده است. "من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض مکانها قتل الناس جميعاً". این فتوا برخلاف قاعده قبح عقاب بلا بیان است. قرآن این قاعده را با صراحت اعلام کرده

است "ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا" ما کسی را مورد مواخذه و تکلیف قرار نمی دهیم، مگر آن که قبلاً تکلیف او را از طریق وحی و به وسیله رسول برایش ابلاغ نموده باشیم. پس روشن و واضح است که جواز قتل همسر با شخص اجنبی در حال فحشا و زنا در قرآن نیامده و از طریق وحی هم ابلاغ نشده است.

- ۵- حق دفاع و محاکمه ی عادلانه از حقوق اولیه ی هر مجرمی است، حتی اگر شخص مرتکب قتل یا کشتار عمومی باشد.
- ۶- گفتار فقها در قتل در فراش، اختلاف شدید و ماهوی دارد. مثلاً برخی گفته اند جواز قتل در صورتی است که شوهر بداند که زناکاران محصن هستند. برخی نیز گفته اند که قتل زن در صورتی جایز است که علم به زنا ی او باشد و برخی دیگر گفته اند که زنا را مشاهده نماید. و عده ای گفته اند علم به زنا یا قصد زنا کفایت می کند. برخی دایمی بودن زن را شرط دانسته و برخی دیگر گفته اند که تفاوتی بین زن دایمی و موقت و حتی کنیز و غلام نیست. این اختلاف که گاهی جنبه موضوعی و ماهوی دارد صحت حکم تردید وارد می کند. زیرا چون موضوع قتل نفس در میان است و امکان سوء استفاده وجود دارد لذا نمی توان بر صحت آن اطمینان داشت.
- ۷- روایاتی را که مورد استناد قرار دادند از لحاظ سند و هم از لحاظ دلالت قابل اعتماد نمی باشند.
- ۸- این حکم بر خلاف نظم و امنیت جامعه است زیرا قاعده نظم بر تمامی قواعد اسلامی حاکم است.

نتیجه گیری:

نتیجه بررسی ادله روایی فقهاء اینست که برخی از آنها از حیث سند ضعیف بوده و نمی توان به آن عمل نمود و قابل اعتماد نخواهد بود و لزوم احتیاط در دماء مسلمانان و جلوگیری از سوء استفاده برخی از اشخاص از این حکم، ایجاب می کند که از فتوا دادن به استناد آن روایت خودداری شود. و نیز با بررسی از روایات، می توان نتیجه گرفت که برخی از آنها دلالت بر جواز قتل بر زوجه ندارند بلکه تنها سخن از جواز قتل مرد زانی اجنبی است. و نیز با توجه به ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، اصل بر جواز قتل در فراش است که با انتقاد حقوقدانان و جرم شناسان مواجه گردید که اگر این ماده بر اساس مبانی فقهی تنظیم می شد قطعاً انتقادی هم صورت نمی گرفت زیرا با بیان کلام فقها و متن روایات معلوم می شود که بین منابع فقهی و ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی تفاوت وجود دارد زیرا اصل در این مساله بر قصاص می باشد مگر اینکه مدعی بینه اقامه نماید. اما ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی با عبارت تحریک کننده، اصل را بر جواز قتل در فراش نهاده و نسبت به لزوم ارائه بینه و سایر شرایط در پیامدهای حقوقی که در منابع فقهی بیان شده امتناع نموده است. در حالی که در اسلام حرمت خون مسلمانان از اوجب و اجبات بوده و حفظ جان او مورد تاکید قرار گرفته است بنابراین هرگاه اسلام به قتلی حکم می کند قطعاً ادله محکم و متقنی بر آن دلالت دارد.

منابع:

- ۱- الجزیری، عبدالرحمن، (بی تا)، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت دار احیاء التراث العربی.
- ۲- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۶ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، انتشارات جامعه مدرّسین قم.
- ۳- البرقی، ابوجعفر احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد، (بی تا)، الاشکال و القرائن من المحاسن، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴- الاحسائی، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۳ق)، عوالی اللئالی، مطبعه الشهدا، قم، چاپ اول.
- ۵- ایمانی، عباس، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان.
- ۶- تهنوی، شیخ محمد بن علی، (۱۵۸ق)، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم.
- ۷- جابری عربلو، محسن، (۱۳۶۲ش)، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، نشر امیر کبیر، تهران- ایران.
- ۸- جرجانی، علی بن محمد، (۱۳۷۰)، التعریفات، ناصر خسرو، تهران، ایران.
- ۹- حائری شایبانی، علی، (۱۳۵۳)، شرح قانون مجازات عمومی، فومن، موسسه مطبوعاتی آرش.
- ۱۰- حجتی، سید مهدی، (۱۳۸۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، میثاق عدالت.
- ۱۱- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۱ق)، وسائل الشیعه، ج ۵، تهران، دار الاسلامیه.
- ۱۲- حلی، جمال الدین، (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، موسسه النشر الاسلامی، قم ج اول.
- ۱۴- حلی، یوسف بن مطهر، (۱۴۱۰ق)، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، موسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۵- خمینی، روح الله، (۱۴۰۳ق)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، دار العلم.
- ۱۶- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۰۷ق)، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، نجف، مطبعه الاداب.
- ۱۷- خوانساری، سید احمد، (۱۳۵۵)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، مکتبه الصدوق، چاپ دوم.
- ۱۸- زکی ابوعامر، محمد، (بی تا)، القانون الجنائی، قاهره الدار الجامعیه.
- ۱۹- شهید اول، محمد بن جمال الدین، (۱۴۰۶ق)، کتاب الدروس، ج ۲، قم، انتشارات صادقی.
- ۲۰- شهید ثانی، زین الدین، (بی تا)، الروضه البهیة، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۲۱- شیخ طوسی، (۱۳۵۱)، المسبوط فی فقه الامامیه، انتشارات مرتضویه.
- ۲۲- طباطبایی، سید علی، (۱۴۰۴ق)، ریاض المسائل فی تحریر الاحکام بالدلائل، موسسه آل البيت، قم.
- ۲۳- طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، مکتبه المرتضویه، تهران- ایران.
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، النهایه، انتشارات قوی محمدی، قم.
- ۲۵- طوسی، ابو جعفر، (۱۳۹۰)، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۶- فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی، (۱۴۰۵ق)، کشف الثام، نشر مکتب آیه الله العظمی مرعش نجفی، قم- ایران.
- ۲۷- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی، موسسه دار الهجره، قم.
- ۲۸- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۱)، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- ۲۹- محقق حلی، نجم الدین، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام.
- ۳۰- مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد، (۱۴۱۷ق)، المقنعه، موسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ چهارم.
- ۳۱- منتظری، حسینعلی، (بی تا)، الحدود چاپ دوم، قم، انتشارات دار الکفر.
- ۳۲- مهرپور، حسین، (۱۳۸۸)، سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ ق.م.ا، ج ۲، فصلنامه مفید، شماره ۸.
- ۳۳- موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۱۲ق)، الدر المنضود فی احکام الحدود، تعزیر علی کریمی جهرمی، دار القرآن الکریم، قم، چاپ اول.
- ۳۴- محقق اردبیلی، ملا احمد، (۱۴۱۶ق)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، موسسه النشر الاسلامیه قم.
- ۳۵- نجفی (صاحب جواهر) محمد حسن، (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار الحیاء در لتراث العربی.
- ۳۶- نجیب حسنی، محمود، (۱۹۹۲م)، شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، چاپ دوم، قاهره، دار النهضه العربی.